

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۹۵-۱۱۹)

نقش سه‌گانه تاریک شخصیت در ابعاد مقابله دینی با میانجی‌گری تصور از خدا

The role of the dark triad in the dimensions of religious coping mediated by the God Image

مجتبی کرمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
محمدتقی تبیک / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
محمدرضا حسن‌زاده توکلی / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Mojtaba Karami/Master's degree in Islamic psychology, positive orientation, Qur'an and Hadith University, Qom, Iran.

Mohammad Taghi Tabik / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, University of Qur'an and Hadith, Qom, Iran. mtabik@gmail.com

Mohammad Reza Hasanzade Tavakoli / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, University of Qur'an and Hadith, Qom, Iran.

Abstract

Religious coping is a very important structure that plays a role in physical and mental health. In this study, investigated the role of dark triad of personality in explaining the dimensions (positive/negative) of religious coping mediated by God image. The participants in this study were 311 people (151 men, 160 women) who responded to the three scales by available sampling method: Dark Triad, Image of God and Short Scale of Religious Coping. In this study, used correlational method, causal modeling, T test and multivariate regression analysis. The findings showed a correlation between research variables.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سه‌گانه تاریک شخصیت در تبیین ابعاد مثبت و منفی مقابله دینی با میانجی‌گری تصور از خدا انجام گرفت. شرکت‌کنندگان این پژوهش ۳۱۱ نفر (۱۵۱ مرد و ۱۶۰ زن) بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس، به مقیاس‌های سه‌گانه تاریک شخصیت، تصور از خدا و مقیاس کوتاه مقابله دینی پاسخ دادند. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش هم‌بستگی، مدل‌یابی علی، تحلیل رگرسیون تک‌متغیره و چند متغیره استفاده شد. یافته‌ها از هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش حکایت داشت. همه‌ی سه‌گانه تاریک و همه خرده‌آزمون‌هایش با مقابله دینی منفی و تصور منفی از خدا رابطه داشتند. هم‌چنین ماکیاولیانیسم و

All subscales of Machiavellianism, narcissism, and psychopathy were associated with negative religious coping and negative image of God. Accordingly, the mediating role of the image of God in the relationship between the dark triad and negative religious coping was confirmed. The results of this study showed that all subscales of the dark triad variable have the power to predict negative coping and the idea of God played a mediating role for the relationship between these two variables.

Keywords: religious coping, God image, dark triad, religiosity.

سایکوپاتی با تصوّر مثبت از خدا و خودشیفتگی و تصوّر مثبت از خدا رابطه داشتند. در برآزش مسیرهای مدل معلوم گردید که مسیر مستقیم سه‌گانه تاریک به مقابله دینی منفی معنادار نیست و مسیر سه‌گانه تاریک به تصوّر از خدا و تصوّر از خدا به مقابله دینی منفی معنادار است. بر این اساس نقش میانجی‌گری تصوّر از خدا برای رابطه میان سه‌گانه تاریک و مقابله دینی منفی تأیید گردید. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت سه‌گانه تاریک می‌تواند از طریق تصوّر از خدا در راهبرد منفی مقابله دینی نقش آفرینی کند.

کلید واژه‌ها: مقابله دینی، سه‌گانه تاریک شخصیت، تصور از خدا، مقابله مذهبی، خدا پنداره.

مقدمه

دین برای بسیاری از افراد حکم شخصی دارد (یونگ^۱، ۱۹۳۷ ترجمه روحانی، ۱۳۵۴) دانشمندان معتقدند ویژگی‌های شخصیتی و روابط اولیه بر نوع دین‌داری افراد تأثیرگذارند (اسپیلکا^۲، هود، هونسبرگر و گرساچ، ۲۰۰۳ ترجمه دهقانی، ۱۳۹۷). پیدمونت و ویلکینز^۳ (۲۰۱۳) با تأکید بر نقش متقابل دین و شخصیت اهمیت دین و معنویت را برای روان‌شناسان شخصیت تبیین می‌کنند. یکی از جنبه‌هایی که دین در اختیار بشر قرار می‌دهد، راهبردهای مقابله دینی در مواجهه با مشکلات است. در مقابله دینی^۴، هر رویدادی در پرتو امر قدسی تفسیر می‌شود (زین‌باوئر و پارگامنت^۵، ۲۰۰۰) پژوهش‌های بسیاری به بررسی ارتباط میان

1. Jung, C.G.

2. Spilka et al.

3. Piedmont, R.L., Wilkins, T.A.

4. religion coping.

5. Zinnbuer & pargament.

شخصیت و مقابله دینی پرداخته‌اند. از جمله ویژگی‌های شخصیتی که ارتباط آن با مقابله دینی می‌تواند به تکمیل نظریه‌ها و مدل‌ها منتهی شود، سه‌گانه تاریک شخصیت^۱ است. پژوهش‌ها حاکی است افرادی که دارای شخصیت تاریک هستند، غالباً سطوح پایین‌تری از دین‌داری را گزارش می‌کنند. این افراد کمتر به دیگران کمک می‌کنند و بیشتر به جای کمک به دیگران از استثمار دیگران سود می‌برند (آقابابایی، محمدتبار و صفاری‌نیا، ۲۰۱۴). بنابراین به هنگام رویارویی دینی با بحران این انتظار وجود دارد که با افزایش تاریکی شخصیت، استفاده از مقابله دینی منفی را شاهد باشیم.

از سوی دیگر تصور از خدا^۲ به عنوان تجربه عاطفی فرد نسبت به خدا می‌تواند بخش عمده‌ای از نظام معنایی هر فرد را تشکیل دهد. دانشمندان بر این باورند؛ تصور از خدا ریشه در دلبستگی و روابط ابژه‌ای فرد دارد (هافمن، ۲۰۰۵).

با توجه به جایگاه مقابله دینی در پژوهش‌های اخیر، اهمیت شناسایی عوامل مؤثر بر مثبت یا منفی بودن مقابله دینی مشخص می‌گردد. در واقع خاصیت گسترده مقابله دینی زمانی بهتر پدیدار می‌شود که بر روی ساختارهای روان‌شناختی گسترده‌ای چون ویژگی‌های شخصیتی تمرکز شود (پیدمونت و ویلکینز، ۲۰۱۳). نادیده گرفتن عوامل شخصیتی مؤثر بر مقابله دینی، عدم آگاهی در رابطه با یک فرایند روان‌شناختی عمده را به بار می‌آورد و موجب ناقص و ناتمام ماندن نظریه‌ها و مدل‌ها در این حوزه می‌گردد.

سه‌گانه تاریک شخصیت با خودشیفتگی^۳، جامعه‌ستیزی^۴، و ماکیاولی‌گرایی^۵ در سطوح غیربالینی سروکار دارد. به جهت وجود ویژگی‌های مشترک و هم‌بستگی‌های مثبت این سه سازه، پالهاوس و ویلیامز (۲۰۰۲) تا جایی پیش رفته‌اند که سه‌گانه تاریک را یک شاخص کلی می‌دانند. افراد دارای این صفات، با ناسازگاری، بازداری بین‌فردی، عدم صداقت، نبود صمیمیت، ناهمدلی و دشمنی مشخص می‌شوند (جاکوبتیز، اگان^۶، ۲۰۰۶؛ لی و اشتون^۷،

1. dark triad.

2. God image.

3. Narcissism.

4. Psychopathy.

5. Machiavellianism.

6. Jakobwitz, & Egan.

7. Lee & Ashton.

۲۰۰۵؛ جونز و پالهاوس^۱، ۲۰۱۱؛ میلر و همکاران^۲، ۲۰۱۰). خودشیفته‌ها به دلیل خودفریبی‌شان باید به طور خلاقانه‌ای عشق به خدا را تحریف کنند تا با دیدگاه بیمارگونه‌شان تطابق داشته باشد. آنها نسبت به رنج و نیازهای دیگران حساس نبوده و فعالیت‌های خیرخواهانه‌شان برای جلب توجه است (اسپری^۳، ۲۰۱۲، ص ۱۰۴-۱۰۵). از این میان تنها جامعه‌ستیزی به دلیل رابطه منفی با «هدف در زندگی»^۴ ممکن است فاقد احساس معنا در زندگی بوده یا اساسا هیچ باوری نداشته باشند که به زندگی معنا بدهد (آقابابایی، ۲۰۱۹). از دین خود برای دستیابی به اهداف اجتماعی خود استفاده می‌کنند (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع این سه سازه با یکدیگر دارای اشتراکات و تمایزاتی هستند به عنوان نمونه، افراد با سطوح بالای خودشیفتگی می‌توانند در برابر فشارهای اجتماعی مقاومت بیشتری نشان دهند. درحالی‌که سطوح بالاتر ماکیاول‌گرایی بیشتر نگران انتظارات و ارزیابی‌های دیگران هستند (آقابابایی، ۲۰۱۹).

پارگامنت و همکاران (۱۹۹۸) با تمرکز بر راهبردهای مفید یا مضر مقابله دینی آن را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم نمودند (پارگامنت، کینگ و پرز، ۲۰۰۰). راهبردهای مقابله‌ای دینی مثبت منعکس‌کننده رابطه ایمن با خدا و احساس ارتباط معنوی با دیگران است و راهبردهای مقابله‌ای دینی منفی نشان‌دهنده مبارزه در درون خود، با دیگران یا با خدا در مورد مسائل مقدس است. در این نوع، خدا موجودی طاقت‌فرسا و ناتوان تلقی می‌شود. در نتیجه فرد خود را از جانب خدا در رنج می‌بیند. افراد دارای انگیزه جست‌وجوگری که از خدا و اجتماعات دینی سازمان‌یافته بیزارند، با این الگو سازگارترند (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). پارگامنت، آنو و واچولتز (۲۰۰۵) یافتن معنا، جست‌وجوی مهارت، یافتن، دستیابی به صمیمیت و تقرب به خدا و دگرگونی را پنج کارکرد اصلی مقابله برمی‌شمرند. با توجه به تمرکز غالب پژوهش‌ها در حوزه مقابله دینی بر سنت یهودی-مسیحی پژوهشگران مسلمان به ترسیم ابعاد مقابله دینی بر اساس قرآن کریم پرداخته‌اند. در پژوهش آنها الگوی مفهومی مقابله دینی بر چهار بعد «منابع دینی»، «زمینه‌های مقابله دینی»، «ساختار مقابله دینی» و «پیامدهای مقابله دینی» استوار است (خطیب و همکاران، ۱۴۰۱).

1. Jones, D. N. & Paulhus, D. L.

2. Miller.

3. Sperry, L.

4. purpose in life.

5. Pargament, K. I & Koenig, H. G. & Perez, L. M.

سازه روان‌شناختی تصویر خدا توسط آنا-ماریا ریتسوتو (۱۹۷۹) به نقل از هافمن، (۲۰۰۵) و بر اساس تصوّر فروید از دین و خدا ایجاد شد (هافمن، ۲۰۰۵). او تصور از خدا را نتیجه روابط کودک با والدین و علاقه روزافزون کودک به رویدادهای علی می‌داند (وولف، ۱۹۹۷ ترجمه دهقانی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد تصورات از خدا در دوران تحول شکل گرفته، منحصر به فرد بوده و به تجربه واقعی عقل درنیامده باشند (جان بزرگی، ۱۳۹۸، ص ۳۰). اگرچه پژوهشگرانی همچون دی روس^۱ (۲۰۰۴) به نقل از فیض‌آبادی، (۱۳۸۸)، مفهوم خدا و تصوّر از خدا را یکسان تلقی کرده‌اند؛ اما به اعتقاد لارنس (۱۹۹۷)، در تعریف مفهوم خدا^۲ باید گفت، مفهوم خدا، درک شناختی فرد از خدا و تصوّر از خدا^۳ درک تجربه‌ای فرد از خداست. باید توجه داشت که در این میان دین چیزی بیش از یک مفهوم ساده از خدا به دست می‌دهد. دین ابزاری ارائه می‌دهد که شخص با آن می‌تواند خود را به خدا ارتباط دهد (نوذری، ۱۳۹۶) مفاهیم و آموزه‌های دینی، می‌توانند در تصویری که فرد از خدا می‌سازد نقش‌آفرینی کنند. در ادبیات دینی، خصوصاً دین اسلام خداوند خود را از آنچه مخلوقات درباره‌اش توصیف می‌کنند منزّه و پاک دانسته (جان بزرگی، ۱۳۹۸، ص ۳۰) به عقیده ریان^۴ افرادی که تصوّر منفی از خداوند دارند، نمی‌توانند با او رابطه‌ای عاطفی و صمیمی برقرار کنند و حتی اگر اهل عبادت هم باشند، عبادتشان ناشی از ترس و اضطراب است (علیانسب، ۱۳۹۰). در نگاه تحول دین‌داری، تصویر شایسته از خدا در برابر تصویر مخدوش از او، که در اواخر کودکی شکل می‌گیرد می‌تواند در ابتدای بزرگسالی تجربه قرب الهی را در برابر انزوا از خدا پدید آورد (نوذری، ۱۳۹۶). در چهارچوب نظریه دلبستگی تصوّرات از خدا به سه دسته کلی قابل تقسیم بندی است؛ الف- خدای فعال، پایدار، هدایت‌کننده و خیرخواه؛ ب- خدای غضبناک، سرزنش‌گر و سخت‌گیر؛ ج- خدای دور از دسترس، بی‌عاطفه، غیرانسان‌وار، منفعل، بیگانه و دست‌نیافتنی (گرساچ، ۱۹۶۸؛ شافر و گرساچ، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲) به نقل از تیبیک، (۱۳۹۸). در تصوّر مثبت از خدا دو مؤلفه اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی مؤلفه حضور خداوند در زندگی و دیگری مراقبت خداوند. مؤمنین بر این باورند که خداوند به آنان نزدیک بوده و زمانی که دچار ناراحتی می‌شوند، می‌توانند این انتظار را داشته باشند که خداوند آنها را به حال خود وانمی‌گذارد. (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

1. De Roos, S. A.

2. God Concept.

3. God Image.

4. Ryan, R. J.

براساس پژوهش‌های گذشته رابطه سه‌گانه تاریک با بهباشی معنوی (کامبرل^۱ و همکاران، ۲۰۱۴) بهباشی درونی مذهبی-معنوی (آنتراینر^۲ و همکاران، ۲۰۱۶) دین‌داری اجتماعی بیرونی (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴) دین‌داری درونی (واتسون، جاب‌چن، موریس و قربانی^۳، ۲۰۱۹) وابستگی مذهبی (حداد و انگمن^۴، ۲۰۱۶) جهت‌گیری درونی-بیرونی (لوویسکی و زاجنکوسکی^۵، ۲۰۱۶) اعتقاد به ماوراءالطبیعه و باورهای مذهبی (شوفلید^۶ و همکاران، ۲۰۲۱) بررسی شده است. همچنین پژوهشگران معتقدند اعتقادات فرد مسلمان به نفع جامعه است و با سه‌گانه تاریک هم‌بستگی منفی دارد (قربانی، واتسون، زارعی و جاب‌چن^۷، ۲۰۱۷). جامعه‌سنجی و ماکیاول‌گرایی با مقابله هیجان‌مدار و خودشیفتگی با مقابله مسئله‌مدار رابطه دارد (بایرکاس، جکز و سات^۸، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها در رابطه با تصور از خدا و مقابله حاکی است افرادی که خدا را درگیر در زندگی روزمره می‌دیدند، بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای در جهت ارتقاء حفاظت معنوی استفاده می‌کردند (اسچرییل^۹، ۲۰۱۱). پژوهش وان لارهوون^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۰) حکایت داشت که تصویر غیر شخصی از خدا^{۱۱} (خدا را چیزی بالاتر از خود دانستن) پیش‌بینی‌کننده‌ای مهم‌تر برای استراتژی‌های مختلف مقابله در بیماران است تا تصویر شخصی از خدا^{۱۲}.

با توجه به آنچه گفته شد، اینکه آیا نمره بالای سه‌گانه تاریک شخصیت بر رویکرد مقابله دینی فرد تأثیرگذار است یا خیر سوالی است که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است. البته در صورت وجود رابطه میان این دو متغیر اساساً سوال دیگری وجود دارد که آیا تصور از خدا می‌تواند رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت و مقابله دینی را میانجی‌گری

1. Kammerle.
2. Unterrainer.
3. Watson & Job Chen & Morris & Ghorbani.
4. Haddad & Angman.
5. Lowicki & Zajenkowski.
6. Schofield.
7. Ghorbani & Watson & Zarei & Job Chen.
8. Birkas & Gacs & Csath.
9. Schreiber J.A.
10. Van Laarhoven.
11. nonpersonal image of God.
12. personal image of God.

کند؟ از این رو این پژوهش با هدف مشخص نمودن ارتباط میان این سه متغیر به بررسی این فرضیه می‌پردازد که سه‌گانه تاریک شخصیت با میانجی‌گری تصور از خدا در تبیین ابعاد مقابله دینی نقش دارد.

روش

پژوهش حاضر از جهت نحوه گردآوری داده‌ها، یک پژوهش کمی و توصیفی است و برای سنجش رابطه میان متغیرها از روش هم‌بستگی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را تمام مردان و زنان ایرانی تشکیل می‌دهند که به نرم‌افزارهای ارتباط جمعی دسترسی داشته‌اند. این پژوهش با حضور ۳۱۱ شرکت‌کننده با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و توسط نرم‌افزار گوگل فرم انجام گرفت. در این پژوهش جهت ساماندهی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-۲۵ و برای مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS Graphics-۲۴ استفاده گردید. شرکت‌کنندگان به مقیاس‌های ذیل پاسخ دادند.

۱. پرسشنامه کوتاه سه‌گانه تاریک دوازده کتیف (DD) (جوناسون و وبستر، ۲۰۱۰): در این پژوهش جهت سنجش سه‌گانه تاریک شخصیت از پرسشنامه کوتاه سه‌گانه تاریک دوازده کتیف (DD) (جوناسون و وبستر، ۲۰۱۰) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۲ گویه و سه خرده‌مقیاس خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی است و جوناسون و وبستر (۲۰۱۰)، پایایی درونی با ضریب آلفای کرونباخ هر یک از این سازه‌ها را به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۲ و ۰/۶۳ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این سه خرده‌آزمون با ضریب آلفای کرونباخ عبارتند از: ماکیاول‌گرایی ۰/۸۴، جامعه‌ستیزی ۰/۴۵ و خودشیفتگی ۰/۸۷.

۲. پرسشنامه تصور از خدا (کلاین، ۱۹۹۳): در این پژوهش برای سنجش تصور از خدا از پرسشنامه تصور از خدا کلاین (۱۹۹۳) بهره گرفته شد. این پرسشنامه توسط خسروی (۱۳۸۳) ترجمه گردید (فیض آبادی و خسروی ۱۳۸۸). این پرسشنامه شامل سه خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند (تصور مثبت) و تصور منفی از خداست. این پرسشنامه دارای ۲۷ گویه است. کلاین (۱۹۹۳) به نقل از همان) پایایی درونی سه خرده‌آزمون حضور خدا، مراقبت خدا و تصور منفی از خدا را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ به دست آورده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این سه خرده‌آزمون با ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۶۷ به دست آمد.

۳. پرسشنامه کوتاه مقابله دینی (پارگامنت، ۲۰۰۰): همچنین برای سنجش مقابله دینی از پرسشنامه کوتاه مقابله دینی رجبی و همکاران (۱۳۹۱) برگرفته از پارگامنت (۲۰۰۰) استفاده شد. شرکت‌کنندگان در این پرسشنامه با توجه به یک رویداد منفی در زندگی به گویه‌های دو خرده‌آزمون مقابله دینی مثبت و منفی پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه دارای ۷ گویه برای مقابله دینی مثبت و ۷ گویه برای مقابله دینی منفی (در مجموع ۱۴ گویه) می‌باشد. پایایی خرده مقیاس‌های پرسشنامه مقابله دینی با ضریب آلفای کرونباخ در جامعه ایرانی رضایت‌بخش است و آلفای کرونباخ تمامی خرده مقیاس‌ها در محدوده ۰/۶۹ تا ۰/۸۹ قرار دارند که نشان‌دهنده همگن بودن گویه‌های زیرمقیاس‌ها است (افلاکسیر و گلمن، ۲۰۱۱). همچنین در پژوهش قربانی و همکاران (۲۰۱۷) پایایی درونی خرده مقیاس‌های مقابله دینی مثبت و منفی با ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی مقابله دینی مثبت و منفی به ترتیب با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته‌ها

فراوانی شرکت‌کنندگان در این پژوهش که در مجموع ۳۱۱ نفر بودند از لحاظ جنس، وضعیت تأهل و حوزوی و دانشگاهی بودن مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی است ۱۵۱ نفر از شرکت‌کنندگان مرد و ۱۶۰ نفر زن بودند همچنین ۱۶۲ نفر مجرد و ۱۴۹ نفر متاهل و تعداد ۲۳۵ نفر دانشگاهی و ۷۶ نفر حوزوی بودند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سن	سن	۱۲	۵۹	۲۹/۳۸۹	۸/۹۹۲	۰/۷۹۰	۰/۲۴۵
مقابله دینی	مقابله دینی مثبت	۷	۲۸	۲۳/۰۷	۴/۸۴۲	-۱/۱۸۴	۱/۲۲۴
	مقابله دینی منفی	۷	۲۸	۱۳/۷۱	۴/۵۳۱	۰/۷۲۶	۰/۳۵۸
تصور از خدا	حضور خدا در زندگی	۱/۴۵۴	۵	۴/۰۹۴	۰/۷۱۷	-۱/۲۳۰	۱/۷۶۰
	مراقبت خداوند	۱	۵	۳/۹۵۰	۰/۷۸۸	-۱/۲۲۳	۲/۱۰۹
	تصور مثبت از خدا	۱/۲۲۷	۵	۴/۰۲۲	۰/۶۸۳	-۱/۴۵۴	۲/۹۷۰
	تصور منفی از خدا	۱	۵	۲/۲۵۴	۰/۷۳۸	۰/۷۰۷	۰/۷۱۹

متغیر	مؤلفه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سه‌گانه تاریک شخصیت	ماکیاول‌گرایی	۴	۲۸	۶/۴۹	۳/۸۹۹	۲/۱۹۷	۵/۵۰۱
	جامعه‌ستیزی	۴	۲۴	۹/۶۲	۳/۹۷۴	۰/۸۲۹	۰/۵۸۵
	خودشیفتگی	۴	۲۸	۱۵/۵۰	۶/۹۲۶	-۰/۰۰۲	-۰/۹۴۸
	سه‌گانه تاریک شخصیت	۱۲	۶۸	۳۱/۶۰	۱۰/۹۲۰	۰/۴۲۵	۰/۰۱۷

شاخص‌های توصیفی پژوهش (جدول ۱) نشان می‌دهد اکثر متغیرهای پژوهش از لحاظ کجی و کشیدگی از وضعیت مطلوبی برخوردارند و تنها موردی که کجی در آن زیاد است ماکیاول‌گرایی است و چون این متغیر جزء متغیرهای مستقل پژوهش است، این کجی اهمیت زیادی ندارد.

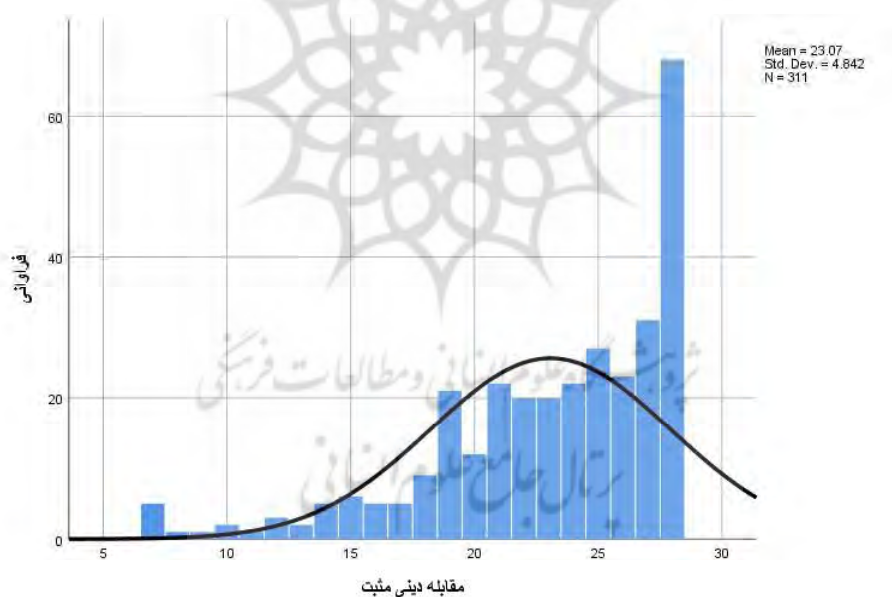
جدول ۲: ماتریس هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش

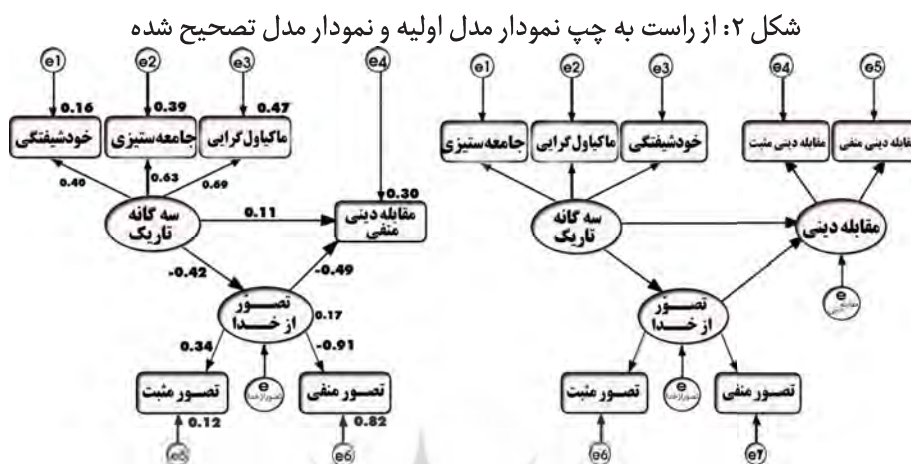
ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱ سن	۱									
۲ مقابله دینی مثبت	۰/۱۲۸*	۱								
۳ مقابله دینی منفی	-۰/۱۵۵**	-۰/۰۸۸	۱							
۴ حضور خدا در زندگی	۰/۱۳۴*	۰/۶۶۹**	-۰/۱۳۷*	۱						
۵ مراقبت خداوند	۰/۰۶۵	۰/۶۵۸**	-۰/۰۵۰	۰/۶۴۷**	۱					
۶ تصور مثبت از خدا	۰/۱۱۳*	۰/۷۳۱**	-۰/۱۰۱	۰/۸۹۸**	۰/۹۱۶**	۱				
۷ تصور منفی از خدا	-۰/۲۱۹**	-۰/۲۲۷**	-۰/۴۹۳**	-۰/۳۷۴**	-۰/۲۰۱**	-۰/۳۱۲**	۱			
۸ ماکیاول‌گرایی	-۰/۱۸۶**	-۰/۲۰۱**	-۰/۲۰۸**	-۰/۳۵۶**	-۰/۱۰۲	-۰/۲۴۶**	۰/۲۲۳**	۱		
۹ جامعه‌ستیزی	-۰/۱۴۱*	-۰/۱۹۳**	-۰/۱۸۴**	-۰/۳۰۴**	-۰/۲۱۲**	-۰/۲۸۲**	-۰/۲۱۴**	۰/۴۴۷**	۱	
۱۰ خودشیفتگی	-۰/۱۲۹*	-۰/۱۴۲*	۰/۱۹۴**	-۰/۱۴۲*	-۰/۰۹۹	-۰/۱۳۲*	۰/۲۲۵*	۰/۲۶۵**	-۰/۲۲۱**	۱
۱۱ سه‌گانه تاریک شخصیت	-۰/۱۹۹**	-۰/۲۲۳**	۰/۲۶۴**	-۰/۳۲۸**	-۰/۱۷۷**	-۰/۲۷۴**	۰/۳۰۶**	۰/۶۸۷**	۰/۶۴۳**	۰/۸۰۹**

هم‌بستگی میان متغیرها (جدول ۲) نشان می‌دهد، مقابله دینی منفی با تصور منفی از خدا و با خرده مقیاس حضور خدا در زندگی، رابطه‌دار است. همچنین مقابله دینی منفی به ترتیب با نمره کل سه‌گانه تاریک و سه سازه آن به صورت مجزا دارای رابطه می‌باشد. میان مقابله دینی مثبت و مقابله دینی منفی در این پژوهش رابطه معناداری یافت نشد. نمره کل تصور منفی و مثبت از خدا و خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی با همه سازه‌ها و نمره کل سه‌گانه تاریک رابطه دارد. خرده‌مقیاس مراقبت خداوند تنها با جامعه‌ستیزی و نمره کل سه‌گانه رابطه برقرار کرده است. همه متغیرها به جز مراقبت خداوند با سن ارتباط دارند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در مدل اولیه (شکل ۲) متغیر مقابله دینی به عنوان متغیر مکنون و مقابله دینی مثبت و منفی به عنوان متغیرهای آشکار جای گرفته بودند. اما در گام نخست معلوم شد که این مدل جواب نمی‌دهد و پس از بررسی مشخص شد که مقابله دینی مثبت از نظر روان‌سنجی دارای مشکلاتی است و همان‌طور که در جدول دارای اعتبار مناسب در این پژوهش نیست. چراکه اکثر شرکت‌کنندگان در جواب به هفت گزینه مقابله دینی مثبت از میان گزینه‌های لیکرت چهار درجه‌ای، گزینه‌های سه و چهار را انتخاب کرده بودند. بنابراین با حذف متغیر مقابله دینی مثبت مدل تصحیح شد (شکل ۲) و جواب داد. مدل تصحیح شده استاندارد شده و شاخص‌های برازش خوبی ($RMSEA=1/0$ ، $CFI=917/0$ ، $AGFI=911/0$ ، $GFI=970/0$) را دارا می‌باشد.

شکل ۱: نمودار فراوانی پاسخ به گزینه‌های خرده مقیاس مقابله دینی مثبت





جدول ۳: ضرایب مسیر

معناداری	خطای استاندارد	ضریب مسیر	مسیر	
۰/۰۰۶	۰/۰۱۳	-۰/۰۳۵	تصور از خدا	سه‌گانه تاریک شخصیت
-	-	۱	خودشیفتگی	سه‌گانه تاریک شخصیت
۰/۰۰۰	۰/۱۸۰	۰/۱۸۹۷	جامعه‌ستیزی	سه‌گانه تاریک شخصیت
۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۰/۹۶۸	ماکیاول‌گرایی	سه‌گانه تاریک شخصیت
-	-	۱	تصور مثبت از خدا	تصور از خدا
۰/۰۰۰	۰/۷۷۷	-۲/۸۴۲	تصور منفی از خدا	تصور از خدا
۰/۲۱۵	۰/۱۵۱	۰/۱۸۷	مقابله دینی منفی	سه‌گانه تاریک شخصیت
-	۲/۰۹۲	-۹/۴۲۹	مقابله دینی منفی	تصور از خدا

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود از میان مسیرها تنها ضریب مسیری که معنادار نیست ضریب مسیر سه‌گانه تاریک شخصیت به مقابله دینی منفی است که سطح معناداری آن ۰/۲۱۵ می‌باشد. اما مسیر غیرمستقیم سه‌گانه تاریک شخصیت به مقابله دینی که از تصور از خدا می‌گذرد معنادار است. بنابراین می‌توان دریافت که متغیر تصور از خدا می‌تواند به عنوان میانجی در رابطه سه‌گانه تاریک و مقابله دینی منفی نقش داشته باشد. فرضیه پژوهش با وجود ارتباط میان سه متغیر و نقش میانجی‌گری تصور از خدا در رابطه میان سه‌گانه تاریک و مقابله دینی منفی تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تصوّر از خدا رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت و مقابله دینی منفی را میانجی‌گری می‌کند. این پژوهش با پژوهش تیبیک (۱۳۹۸) هم‌سو است. در آن پژوهش نیز تصوّر از خدا، میان عامل شخصیت و تعارضات معنوی فرد نقش میانجی داشت، بر این اساس بالارفتن سه‌گانه تاریک به‌طور مستقیم بر مقابله دینی منفی افراد تأثیر نمی‌گذارد بلکه قبل از تأثیر بر رفتار مقابله‌ای فرد، بر تصویر ذهنی او از خدا تأثیرگذار است. در نتیجه نوع دلبستگی‌های افراد دارای صفات تاریک، تجربه عاطفی آنها نسبت به خدا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌طور کلی خدایی را برای او متصوّر می‌سازد که یا در دسترس نیست و یا مراقبتش را از او دریغ می‌دارد. این تصویر از خدا به‌هنگام رویارویی فرد با مشکل، فرد را دچار تعارضات بسیاری می‌کند. چرا که در بحران، رنج را از جانب خدا لمس نموده و برای گذر از آن حمایت، حضور و مراقبت خدا را احساس نمی‌کند. از این‌رو راهبرد مقابله‌ای او منفی است. چنانچه ریتسوتو (۱۹۷۹ به نقل از هافمن، ۲۰۰۵) بر آن تأکید دارد تصوّر از خدا یک تجربه عاطفی است که اغلب به‌صورت فرایندی ناخودآگاه حاضر است. این تبیین توسط نظریه گنیا (۱۹۹۰، ۱۹۹۵ به نقل از تیبیک، ۱۳۹۸) پشتیبانی شود. نظریه گنیا که مبتنی بر رویکردهای روان‌پویشی است بر این فرض استوار است که از سویی میزان سازش‌یافتگی و ناسازش‌یافتگی شناختی و شخصیتی افراد در نوع تصوّر از خدا تأثیرگذار است و از سوی دیگر نوع تصوّر از خدا نیز به نوبه خود در ایجاد یا عدم ایجاد کشمکش‌های روانی-معنوی دخیل است. به بیان دیگر فرد مذهبی در مواجهه با یک رویداد با تکیه بر تجارب عاطفی و ادراکش به خدا در وضعیت‌های تنش‌زا به مقابله می‌پردازد و هر اندازه این تجربه عاطفی که همان تصوّر از خداست دچار آسیب شده باشد مقابله او را به‌صورت منفی پدیدار خواهد شد. روابط و دلبستگی‌های اولیه سبک دلبستگی فرد را نسبت به خدا یا همان تصوّرات فرد از خدا را دستخوش تغییر می‌نماید. این رویکرد ناهمدلانه به خدا موجب می‌شود که فرد خدا را حاضر و ناظر نبیند و غالباً رویدادهای تنش‌زا را به او اسناد دهد.

اینکه هر یک از سازه‌های تاریک شخصیت با فاصله کمی از یکدیگر با مقابله دینی منفی رابطه دارند، نشان‌دهنده این است که این سه سازه نسبتاً نقش یکسانی در تبیین مقابله منفی دارند. از منظر روان‌پویشی آرمانی‌سازی و نارزنده‌سازی افراطی خودشیفته‌ها باعث می‌شود چیزی تحت عنوان نسبتاً خوب برای این شخصیت وجود نداشته باشد (مک‌ویلیامز، ۲۰۱۱ ترجمه جوادزاده، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۹). از این‌رو این احتمال وجود دارد که

این افراد در رویارویی با بحران به صورت افراطی به رویداد نگاه کنند و نتوانند به صورت نسبی آن را ارزیابی کنند. اگرچه بر خلاف دیدگاه فروید که دین را یک دفاع می‌داند (فروید، ۱۹۲۸ ترجمه رضی، ۱۳۴۲)، پارگامنت دین را مقوله‌ای فراتر از یک دفاع به شمار می‌آورد (زین باوئر و پارگامنت، ۲۰۰۰). اما این احتمال وجود دارد که دفاع‌های نخستین در این افراد با راهبرد مقابله دینی‌شان مرتبط باشد. پژوهش آنتراینر و همکاران (۲۰۱۶) این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که بهباشی معنوی با دفاع‌های اولیه در ارتباط است. بنابراین فرد در موقعیت تنش‌زا، خدا را موجودی طاقت‌فرسا و ناتوان تلقی می‌کند (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). نارارزنده‌سازی افراطی باعث شده با اسناد رنج به خدا یا دیگری همواره با آنها در کشمکش باشند. کنترل همه‌توان و حس عاملیت بسیار بالا در جامعه‌ستیزها باعث می‌شود آنها هر پدیده‌ای را تحت کنترل خود بیندارند. از این رو احتمالاً هنگام بحران، به جهت از دست دادن قدرت مهار واقعه و محدود شدن کنترل، خود را از جانب خدا در رنج ببینند. به نظر می‌رسد این افراد به دلیل وجود کنترل بالا به جای کمک گرفتن از خدا به ابتکار فردی و جست‌وجوی کنترل به طور مستقیم دست بزنند. همچنین ممکن است تا حدی در مقابل عامل تنش‌زا احساس عجز و ناتوانی شدید کنند و بحران برایشان سخت و غیرقابل کنترل باشد که منفعلانه آن را به قدرت بالاتر که خدا باشد واگذار نمایند. به عبارت دیگر این حالت با تصور اینکه خدا قدرت مطلق است در تعارض است. در این صورت حتی اگر رنج واقعه را به خدا اسناد ندهند؛ ممکن است قدرت خدا در تعالی بخشی، عذاب و جبران واقعه را نادیده بگیرند و به این شکل خداوند را ناتوان و طاقت‌فرسا تلقی کنند. این همان چیزی است که در تبیین مقابله دینی منفی مورد تأکید است (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). ابراز و دریافت ضعیف عاطفی و هیجانی در این افراد باعث می‌شود بحران به عنوان یک علامت ترسیم شود که خدا دوستشان ندارد و از جانب خدا در رنج هستند. چرا که آنها معتقدند کسی آنها را دوست ندارد و دوستدار کسی نیستند (مک‌ویلیامز، ۲۰۱۱ ترجمه جوادزاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۱).

این فرایند یعنی تأثیر شخصیت بر مقابله دینی به واسطه نقش آفرینی بر تصورات فرد از خدا صورت می‌پذیرد. پژوهش‌ها به عنوان نمونه پژوهش احمدی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از آن است که خودشیفتگی تعیین‌کننده سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و مضطرب است و از آنجایی که دلبستگی ناایمن مضطرب، تصور خدای قضاوت‌گر و خشن و دلبستگی ناایمن

اجتنابی، تصوّر خدای دسترس‌ناپذیر و غیریاری‌گر را در پی دارد (هومولکا، ۲۰۱۳) می‌توان به این نتیجه دست یافت که هر مقدار خودشیفتگی در فرد بالا می‌رود، دو حالت متصوّر است؛ یا فرد خدا را خدای قضاوت‌گر و خشن تصوّر می‌کند که نهایتاً تعامل با چنین خدایی بسیار طاقت‌فرسا و تفسیر رویداد، رنج از جانب او قلمداد می‌شود و یا اینکه او را دور از دسترس و غیریاری‌گر تصوّر می‌کند که در این صورت او حضور و مراقبت خدا در زندگی را احساس نمی‌کند و در وقوع حادثه تنش‌زا خدا را یاری‌گر نمی‌پندارد. ماکیاول‌گراها و جامعه‌ستیزها به ترتیب خدا را دور از دسترس‌تر می‌پندارند. جامعه‌ستیزها ممکن است به خاطر دل‌بستگی آشفته-گم‌گشته (پاپالیا و همکاران، ۲۰۰۴ ترجمه عرب قهستانی و دیگران، ۱۴۰۰) و یا وقفه عاطفی به هنگام بحران خدا را دور از دسترس تصوّر کنند و یا در ارتباط با خدا گسست را تجربه کنند. چرا که این افراد در بحران‌های شدید در حال تجربه عجز هستند. آنها با توقف در مرحله همه‌توانی، نمی‌توانند قدرت مطلق را در ناملایمات ببینند و ناگزیر به یک وقفه عاطفی نسبت به خدا روی می‌آورند. در این پژوهش در خصوص ماکیاول‌گرایی به صورت گسترده‌تری شاهد عدم حضور خدا در زندگی هستیم. اگرچه این افراد نسبت به دو سازه دیگر نمرات بالاتری در دین‌داری اجتماعی بیرونی دارند (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴)، اما آنها ممکن است از دین خود برای دستیابی به اهداف اجتماعی خود استفاده کنند. به این معنا که رویکرد دینی ماکیاول‌گراها در جامعه نه به جهت تصوّرات مثبت آنها نسبت به خدا و دین بلکه به جهت برآورده ساختن منافع شخصی‌شان باشد. اگرچه ممکن است ماکیاول‌گراها بیش از دو سازه دیگر به هم‌رنگی با جامعه بپردازند و مشارکت اجتماعی بالاتری را نشان دهند اما آنها به دلایل غیر نوع‌دوستانه مانند فشار اجتماعی، یا به عنوان یک تاکتیک نفوذ برای رسیدن به آنچه می‌خواهند، درگیر اقدامات اجتماعی می‌شوند (همان). در نتیجه افرادی که در موقعیت بحران این رفتار جای خود را به بروز رفتارهای ناهمدلانه آنها با دیگران می‌دهد. البته میزان دین‌داری و باورهای شخص مسلمان در شدت کنترل صفات تاریک در موقعیت تنش‌زا می‌تواند مؤثر باشد و از آنها فعالیت‌های به نفع جامعه مشاهده شود (قربانی و همکاران، ۲۰۱۷).

از این میان تنها سازه جامعه‌ستیزی با مراقبت خداوند، رابطه منفی دارد. ممکن است جامعه‌ستیزها در مقایسه با دو سازه دیگر، هیچ درک و احساسی از مراقبت خدا نداشته باشند

چراکه خود را قدرت مطلق می‌پندارند. ماکیاول‌گراها و خودشیفته‌ها به جهت خلأی که از درون احساس می‌کنند، عدم مراقبت خدا را کمتر از جامعه‌ستیزها لمس می‌کنند. البته تحلیل یافته‌ها در خصوص جامعه‌ستیزی به دلیل ضریب آلفای کرونباخ پایین این سازه باید با احتیاط صورت پذیرد. به طور کلی عدم همدلی موجود در سه‌گانه تاریک (لوویسکی و زاجنکاووسکی، ۲۰۱۶) تصورات منفی از خدا را تبیین می‌کند. یافته پژوهش راث^۱ (۲۰۱۸) این مطلب را تأیید می‌کند که همدلی با تصوّر خیرخواهانه از خداوند هم‌بستگی بالایی دارد.

کارکردهای اصلی مقابله دینی به خصوص «دستیابی به تسلط و کنترل»، «معنایابی»، «طلب صمیمیت با دیگران» (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۵) در مقابل مشخصه‌های سه‌گانه تاریک که مؤلفه‌هایی چون عدم کنترل، عدم صمیمیت و عدم همدلی (جاکوبتیز، اگان^۲، ۲۰۰۶؛ لی و اشتون^۳، ۲۰۰۵؛ جونز و پالهاوس^۴، ۲۰۱۱). هستند قرار می‌گیرند. بنابراین این احتمال وجود دارد که ویژگی‌های موجود در این سه سازه بنایی برای کارکردهای مقابله دینی در این سه سازه به حساب بیایند. پارگامنت متذکر می‌شود که افراد با روحیه جست‌وجوگری که از خدا و اجتماعات مذهبی بیزارند (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰) بیشتر با این الگوی مقابله دینی منفی سازگارترند در واقع خودشیفته‌ها، به مسئولیت‌های جمعی و بهزیستی دیگران عدم همدلی و بی‌تفاوتی نشان می‌دهند (باری و همکاران، ۲۰۰۳). جامعه‌ستیزها نیز صفاتی مانند عدم همدلی، رفتارهای فریب‌کارانه و روحیه ضداجتماعی دارند. بنابراین بیزاری این افراد از اجتماعات مذهبی می‌تواند به خوبی توجیه شود.

افراد خودشیفته در بحران شرم و ترس از بی‌کفایتی را تجربه می‌کنند (مک‌ویلیامز، ۲۰۱۱) ترجمه جوادزاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۶) و در گذر از آن هرآینه احساس می‌کنند که از ناحیه دیگران مقصر دیده می‌شوند. احساس بی‌کفایتی می‌تواند تا جایی پیش رود که فرد آن را به حوزه ارتباط با خدا نیز تسری دهد. این احتمال وجود دارد که تجربه حسادت نسبت به دیگرانی که با آن بحران درگیر نیستند، در ذهن آنها تصور بی‌عدالتی و تبعیض از ناحیه خدا را شکل دهد و این‌گونه از مقابله دینی منفی استفاده کنند. این افراد به جای مواجهه با شکست خود، به دیگران حمله می‌کنند تا رنج خودآزمایی را در هنگام رویارویی با بحران تجربه نکنند

1. Roth, E.

2. Jakobwitz, & Egan.

3. Lee & Ashton.

4. Jones, D. N. & Paulhus, D. L.

(اسپری، ۲۰۱۲، ص. ۱۰۶). عدم صمیمیت با دیگران در فرایند مقابله دینی این افراد و اینکه آنها به اجتماعات و مناسک دینی روی نمی‌آورند ممکن است به جهت این باشد که سبک این افراد برای حضور در اجتماعات مذهبی دریافت تقویت و تأیید بیشتر است به اینکه آنها ذاتاً خاص و ویژه‌تر از دیگرانند (همان). بنابراین به هنگام تجربه شکست در بحران حضور در اجتماعات مذهبی انتظار خودشیفته‌ها در این زمینه را برآورده نمی‌کند.

جامعه‌ستیزها در بدترین سبک دلبستگی یعنی ناایمن آشفته-گم‌گشته قرار دارند (پاپالیا و همکاران، ۲۰۰۴ ترجمه عرب قهستانی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۱) که ممکن است در بحران احساس گم‌گشتگی داشته باشند و نارضایتی از خدا را تجربه کنند. این احتمال وجود دارد که در بحران‌های گروهی ماکیاول‌گراها نسبت به دو گروه دیگر به دنبال هم‌رنگی با افراد مطلع از دین برآیند و در نگاه خوش‌بینانه سعی در جست‌وجوی حمایت از جانب عالمان دینی داشته باشند. البته این موضوع بستگی به آن دارد که این افراد چه کسانی را در بحران‌ها قدرتمندتر تلقی کنند. درمقابل احتمال می‌رود جامعه‌ستیزها و خودشیفته‌ها بیشتر به نارضایتی مذهبی بین‌فردی روی آورند و در بحران‌ها کمتر درصدد کمک معنوی به دیگران برآیند.

اگرچه در پژوهش اسکاپ‌جانکر و همکاران (۲۰۰۲)؛ آسیب‌شناسی خوشه B (شامل شخصیت خودشیفته و ضداجتماعی) نسبت به دیگر خوشه‌های اختلال شخصیت DSM-5 کمترین ارتباط مستقل را با تصوّر از خدا دارد، اما آنها اختلالات بالینی شخصیت را مورد بررسی قرار داده‌اند و آنچه در این پژوهش در قالب سه‌گانه تاریک مطرح شده خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی غیربالینی است. شاید اختلالات خودشیفتگی و ضداجتماعی در سطح بالینی تا اندازه‌ای میزان عاطفه و همدلی را در فرد کاهش داده باشد که مقیاس‌های تصوّر از خدا نتواند سطح دلبستگی این افراد را نسبت به خدا مورد سنجش قرار دهد. البته به گفته آنها حضور بیش از حد زنان در پژوهش آن‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. خطیب و همکاران (۱۴۰۱)، در الگوی قرآنی مقابله دینی بر این نکته تأکید دارند که تغییر در مقابله دینی با تغییر در نفس پدید می‌آید. تزکیه در سمت مثبت و تدسیه در سوی منفی ویژگی خودتغییردهنگی نفس است که در قالب اصلاح انتظار و خطاهای اسنادی، خودمهارگری و غیره می‌تواند به تغییر در راهبردهای معطوف به خود منتهی شود. این تغییر در خود است که به کشف یا ساخت معانی تازه منجر می‌شود. آنچه در سه‌گانه تاریک نیز مشاهده می‌شود عدم اصلاح خود است که در شکل‌گیری معنادهی منفی اثرگذار است.

به‌طور کلی مردم از یک سیستم جهت‌گیری کلی که شامل باورها، احساسات، روابط، و اعمال نهفته در حوزه‌های مذهبی است در موقعیت‌های خاص بهره می‌برند. پارگامنت، ساختار اساسی موجود در دین یعنی معنا می‌تواند شامل تجربه مراقبت^۱، جذب^۲ یا دلبستگی^۳ باشد که نمونه بارز در امور الهی، قرب به خدا و تجربه دینی است. (پارگامنت، ۱۹۹۷ به نقل از زین باوئر و پارگامنت^۴، ۲۰۰۰). سبک دلبستگی ایمن به خدا می‌تواند منجر به مقابله دینی مثبت و سبک دلبستگی نایمن به خدا می‌تواند منجر به مقابله دینی منفی در فرد باشد (پارگامنت، فالب، آنو و واچولتز^۵، ۲۰۱۳). در پژوهش حاضر ارتباط میان تصور منفی از خدا و مقابله دینی منفی آشکار است. با توجه به پیوند عمیق دو حوزه تصور از خدا و دلبستگی به خدا، فرد در بحران به صورت ناخودآگاه به تجربه عاطفی‌اش به خدا مراجعه می‌کند و اگر در رابطه‌اش، حضور و حمایت خداوند را یافت، در مواجهه با بحران از راهبردهای مثبت مقابله دینی بهره می‌برد و در صورتی که تجربه عاطفی منفی نسبت به خدا داشت، از راهبردهای منفی مقابله دینی استفاده می‌کند. در واقع اعتقاد به اینکه خداوند پناهگاه مطمئن و امنی است به فرد احساس قدرت می‌دهد و باعث می‌شود راهبردهای مقابله‌ای کارآمدتری برای حل معضلات زندگی داشته باشند (امیدی، فرهوش، احمدی، اربابی، ۱۳۹۹). از رابطه خرده مقیاس‌های تصور مثبت از خدا با تصور منفی اینچنین برداشت می‌شود؛ در دسترس نبودن خدا سهم بیشتری را در منفی شدن تصور افراد نسبت به خدا ایجاد می‌کند. در نتیجه مقابله دینی منفی فرد، بیش از هر چیز متأثر از این است که فرد خدا را در زندگی‌اش حاضر و ناظر نمی‌بیند. در نتیجه در موقعیت بحران این دور از دسترس بودن است که باعث شده فرد بیش از هر چیز خود را از جانب خدا در رنج ببیند. بر اساس نظریه «الگوی معنا سازی»^۶ پارک (۲۰۱۳) معنا دارای دو جنبه است؛ «معنای کلی»^۷ و «معنای موقعیتی»^۸. انسان‌ها زندگی‌شان را با معنای کلی سامان می‌دهند. معنای کلی معمولاً به صورت ناآگاهانه از فرهنگ حاکم

1. experience of caring.
2. attraction.
3. Attachment.
4. Zinnbuer & pargament.
5. Pargament & Falb & Ano & Wachholtz.
6. meaning-Making model.
7. global meaning.
8. situational meaning.

و از تجربه‌های شخصی به وجود می‌آید. هرچند غالباً افراد از این معنای کلی غافل‌اند اما تأثیر این معنای کلی بر افکار، کنش‌ها و احساسات، زیاد است. رخداد‌های تنش‌زا که عمدتاً با خواسته‌های فرد ناسازگارند موجب نقض این باورها و معنای کلی می‌شود. به اعتقاد پارک مقدار ناهماهنگی میان باورهای کلی فرد و معنای موقعیتی ارزیابی شده «رخداد» تعیین‌کننده سطح پریشانی و درماندگی فرد است (همان). فرد دین‌دار در هنگام رویارویی با بحران اگر بتواند، معنایی که بحران به عنوان یک معنای موقعیتی به او می‌دهد با معنای کلی در ناخودآگاه یکپارچه سازد، راحت‌تر می‌تواند از بحران عبور کند و مقابله‌اش نیز مثبت خواهد بود اما اگر معنای بحران با معنای کلی در ذهن او در تعارض باشد عبور از این بحران با کشمکش‌های درونی و معنوی همراه خواهد شد و فرد بحران را به منزله یک امر طاقت‌فرسا از جانب خدا تلقی خواهد کرد. البته معنای کلی در رابطه با خدا محدود به تصوّرات و سبک دل‌بستگی فرد نسبت به خدا نیست بلکه دامنه وسیع‌تری را در بردارد که شامل مفاهیم خدا و آموزه‌های دینی و روابط اجتماعی دینی نیز می‌شود. به اعتقاد پارک (۲۰۲۰)، متدینین، احتمالاً از راهبردهای معناسازی مانند مقابله با ارزیابی مجدد مثبت استفاده می‌کنند که شامل جست‌وجو و تأکید بر جنبه‌ها و پیامدهای مطلوب موقعیت‌ها می‌شود. آنها در به‌کارگیری این معناها و تلاش برای سازگاری بهتر با تجربه‌های استرس‌زا موفق‌تر هستند. در پژوهش حاضر نیز تصوّرات فرد از خدا بر نحوه ارزیابی این افراد از موقعیت تنش‌زا تأثیرگذار است. اگر فرد در معنای کلی، تصوّراتش از خدا، خدای بدخواه باشد و یا اینکه فرد رنج را خیرخواهی خدا نداند، در موقعیت تنش‌زا نمی‌تواند نسبت به واقعه ارزیابی مجدد مثبت داشته باشد و ناگزیر از راهبردهای مقابله‌ای دینی منفی استفاده می‌کند.

به نظر می‌رسد خرده‌آزمون مقابله دینی مثبت، مقیاس خوبی برای سنجش مقابله دینی مثبت در جامعه ایرانی نیست چراکه عموم شرکت‌کنندگان نمره بالایی در مقابله دینی مثبت کسب کردند. این یافته با یافته پژوهش افلاکسیر و گلمن (۲۰۱۱) و پارگامنت و همکاران (۲۰۱۳) هم‌سو است. اگر چه گفته شده؛ آموزه‌های اسلامی به مردم کمک می‌کند تا رویدادهای منفی را بازتعریف کرده و موقعیت خود را بپذیرند (افلاکسیر و گلمن، ۲۰۱۱) اما به نظر می‌رسد با توجه به فرهنگ و آموزه‌های ایرانیان، مقیاس مقابله دینی مثبت، ابزار دقیقی برای سنجش این مؤلفه در جامعه ایرانی نباشد. بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله پیوند میان علم و عاطفه است که نوع ارتباط فرد با خدا و میزان فرمان‌برداری از او را تعیین می‌کند (نوذری، ۱۳۹۶). اگرچه که در ایران شکل‌گیری مفهوم انتزاعی از خدا در دوران نوجوانی با

کندی روبه‌رو است و ممکن است بازگشت این موضوع به آموزش نامتناسب باشد (همان) اما در جامعه ایرانی به قدری مفاهیم دینی و مرتبط با خدا با زندگی روزمره گره خورده که ممکن است افراد در پاسخ به سوالاتی که مرتبط با تجربه‌شان نسبت به خداست، به جای تجربه حقیقی، مفاهیم مرتبط با خدا را گزارش دهند. به عقیده وان لارهوون و همکاران (۲۰۱۰) در پرسشنامه‌های مقابله دینی اغلب تصوّر شخصی از خدا را پیش فرض می‌گیرند و بنابراین، ممکن است راهبردهای مقابله‌ای را که به تصویر غیرشخصی از خدا مربوط می‌شوند، شناسایی نکنند. پژوهش‌ها ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که بدون بررسی زمینه‌های روان‌شناختی، نمی‌توان تبیین دقیقی از سازه‌های روان‌شناختی به دست آورد. به نظر می‌رسد عواملی نظیر «بافت فرهنگی-اجتماعی» که زمینه‌ساز سازه انگیزش دین‌داری است در سازه مقابله دینی نیز یک عامل تعیین‌کننده باشد (خطیب و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین بهتر است مقیاسی بر اساس الگوی مقابله دینی متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی طراحی و مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش محدودیت‌هایی را دارد از جمله اینکه به جهت استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس قابل‌تعمیم به جامعه نیست و اینکه مقیاس مقابله دینی متناسب با جامعه پژوهش حاضر نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به عدم تناسب مقیاس مقابله دینی به خصوص مقیاس مقابله دینی مثبت با جامعه پژوهش حاضر، این مقیاس برای جامعه ایرانی با توجه به سطح دین، فرهنگ و معنویت در این جامعه باز طراحی گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به پایین بودن آلفای کرونباخ سازه جامعه‌سنجی این پژوهش در اقصا و دیگر بافت‌های فرهنگی ایران مجدداً انجام شود. به طور کلی نمی‌توان انکار کرد که فرهنگ جمع‌گرایانه‌ای مانند ایران با فرهنگ فردگرایانه غرب دارای تفاوت‌هایی است و همان‌گونه که سه‌گانه تاریک نقش متفاوتی در این دو فرهنگ دارد (آقابابایی، طلائی پاشیری، کوانتس، ۱۳۹۶) ممکن است نحوه اثرگذاری آن بر مقابله دینی در این دو فرهنگ نیز متفاوت باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود این پژوهش در جوامع غربی نیز انجام شود. همچنین دستاورد این پژوهش جهت پیش‌آگهی مراکز مشاوره و نهادها درباره راهبردهای مقابله دینی و تصوّر از خدا قابل استفاده است.

منابع

- آقابابایی، ناصر؛ طلائی پاشیری، ا. روکوانتس، ت. ک (۱۳۹۶)، «بررسی میان ویژگی‌های شخصیتی، بنیان‌های اخلاقی و اخلاق کاری در دانشجویان ایرانی و کانادایی»، *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، ۴ (۱)، ۲۲-۱.
- اسپیلکا، برنارد؛ هود، راف دلیو؛ هونسبرگر، بروس و گرساچ، ریچارد (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول، ص ۱۳۳-۱۳۵.
- امیدی، احد؛ فرهوش، محمد؛ احمدی، محمدرضا و افتخار اربابی، رقیه (۱۳۹۹)، «نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه سبک‌های دل‌بستگی با رضایت از زندگی»، *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، ۴ (۱)، ۸۱-۱۰۳.
- پاپالیا، دایان. ای؛ الدز، سالی و نداکس و فلدمن، روت داسکین (۱۴۰۰)، *روان‌شناسی رشد و تحول انسان*، ترجمه: عرب قهستانی، داوود؛ آوادیس یانس، هامایک؛ سهرابی، حمیدرضا؛ داورپناه، فرزنده؛ حیات روشنائی، افسانه و نقشبندی، سیامک). تهران: انتشارات رشد، چاپ هشتم.
- تیبیک، محمد تقی (۱۳۹۸)، *تدوین مدل مفهومی کشمکش‌های روانی-معنوی در ایران: روش آمیخته، پایان‌نامه دکترا*، چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۸)، *درمان چند بعدی معنوی یک رویکرد خدا سو*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خطیب، سیدمهدی؛ آذربایجانی، مسعود؛ پسندیده، عباس؛ جان بزرگی، مسعود و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۴۰۱)، «تدوین الگوی مقابله دینی با استرس بر اساس قرآن کریم: نظریه داده بنیاد»، *دوفصلنامه روان‌شناسی فرهنگی*، ۶ (۱)، ۴۶-۷۵.
- رجبی، محمد؛ صارمی، علی اکبر و بیاضی، محمدحسین (۱۳۹۱)، «ارتباط بین الگوهای مقابله دینی با سلامت روانی و شادکامی»، *روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۳۲)، ۳۶۳-۳۷۱.
- علیان‌سب، سید حسین (۱۳۹۰)، «تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن»، *روان‌شناسی و دین*، ۴ (۲)، ۶۳-۷۷.
- غباری بناب، باقر و حدادی کوهساری، علی اکبر (۱۳۹۰)، «دل‌بستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱ (۴)، ۸۱-۱۰۶.
- فیض‌آبادی، سلیمه و خسروی، زهره (۱۳۸۸)، «مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان»، *مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۴ (۲)، ۱-۹.
- مک ویلیامز، نانسی (۱۴۰۰)، *تشخیص روان‌تحلیلی، شناخت ساختار شخصیت در فرآیند بالینی*، ترجمه: جوادزاده، غ، تهران: انتشارات ارجمند.
- زیگموند، فروید (۱۳۴۲)، *آینده یک پندار*، ترجمه: رضی، ه، تهران: انتشارات آسیا.

- نوذری، محمد (۱۳۹۶)، *روان‌شناسی تحول دین‌داری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وولف، دیوید ام (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی دین*، ترجمه: دهقانی، م، تهران: انتشارات رشد.
- یونگ، کارل گاستاو (۱۳۵۴)، *روان‌شناسی و دین*، ترجمه: روحانی، ف، تهران: انتشارات فرانکلین.
- Aflakseir, A & Coleman, P. GT (2011), Initial Development of the Iranian Religious Coping Scale, *Journal of Muslim Mental Health*. VI (1), 44-61.
- Aghababaei, N & Blachnio, A. (2015), Well-being and the Dark Triad, *Personality and Individual Differences*, 86, 365-368.
- Aghababaei, N & Mohammadtabar, S & Saffarinia, M. (2014), Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honesty Humility in prosociality, religiosity, and happiness, *Personality and Individual Differences*, 67, 6-10.
- Aghababaei, N (2019), The Relationship between the Dark Triad Traits and Subjective and Psychological Well-being among Iranian Students, *International Journal of Behavioral Sciences*, 13(3), 92-96.
- Ahmadi, V & Ahmadi, S & MehrabiZade Honarmand, M & Zargar, Y & Arshadi, N & Mirshekar, S (2013), The Relationships between Attachment Styles and Narcissism among Students of Shahid Chamran University in Iran, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84, 215 - 218.
- Barry, T. D & Frick, P. J & Killian, A. L (2003), The relation of narcissism and self-esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation, *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 32(1), 139-152.
- Birkas, B & Gacs, B & Csath, A. (2016), Keep calm and don't worry: Different Dark Triad traits predict distinct coping preferences, *Personality and Individual Differences*, 88, 134-138.
- Ghorbani, N & Watson, P. J & Zarei, A & Chen, Z. J (2017), Muslim attitudes and spirituality: relationships with Dark Triad and Harmony Control in Iranian teachers, *Mental Health, Religion & Culture*, doi: 10. 1080/13674676. 2017. 1320367

- Haddad, B & Angman, M (2016), Dark Triad, Sociosexual Orientation and Religious Affiliation: An Association and Moderation Study, *Clinical and Experimental Psychology*, 2(2), 1000124. Doi: 10. 4172/2471-2701. 1000124
- Van Laarhoven Hanneke W. M & Johannes Schilderman, K. C & Visser, Constans A. H. H. V. M & Verhagen, J. P (2010), Images of God in Relation to Coping Strategies of Palliative Cancer Patients, *Journal of Pain and Symptom Management*, 40 (4), 495-501.
- Hoffman, L (2005), *Cultural Constructs of the God Image and God Concept: Implications for Culture, Psychology, and Religion*.
- Homolka, S. J (2013), Divine Struggles: Parents' Contributions and Attachment to God as a Mediator [Master's thesis, Case Western Reserve University], *OhioLINK Electronic Theses and Dissertations Center*. http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=case1386785400
- Jakobwitz, S & Egan, V (2006), The dark triad and normal personality traits, *Personality and Individual Differences*, 40(2), 331-339.
- Jonason, P. K & Webster, G. D (2010), The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad, *Psychological Assessment*, 22(2), 420-432.
- Jones, D. N & Paulhus, D. L (2011), *Differentiating the Dark Triad within the interpersonal circumplex*, Handbook of Interpersonal Psychology (Theory, Research, Assessment, and Therapeutic Interventions), 249-267.
- Kämmerle, M & Unterrainer, H. F & Dahmen-Wassenberg, P & Fink, A & Kapfhammer, H. P (2014), Dimensions of Religious/Spiritual Well-Being and the Dark Triad of Personality, *Psychopathology*, 47(5), 297-302.
- Lawrence, R. T (1997), Measuring the Image of God: The God Image Inventory and the God Image Scales, *Journal of Psychology and Theology*, 25(2), 214-226.

- Lee, K & Ashton, M. C (2005), Psychopathy, Machiavellianism, and narcissism in the Five Factor Model and the HEXACO model of personality structure, *Personality and Individual Differences*, 38(7), 1571–1582.
- Lowicki, P & Zajenkowski, M (2016), No empathy for people nor for God: The relationship between the Dark Triad, religiosity and empathy, *Personality and Individual Differences*, DOI: 10. 1016/j. paid. 02. 012.
- Miller, J. D & Dir, A & Gentile, B & Wilson, L & Pryor, L. R & Campbell, W. K (2010), Searching for a vulnerable Dark Triad: Comparing factor 2 psychopathy, vulnerable narcissism, and borderline personality disorder, *Journal of Personality*, 78(5), 1529–1564.
- Pargament, K. I & Koenig, H. G & Perez, L. M (2000), The many methods of religious coping: Development and initial validation of the RCOPE, *Journal of Clinical Psychology*, 56(4), 519–543.
- Pargament, K. I & Smith, B. W & Koenig, H. G & Perez, L (1998), Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37(4), 710–724.
- Pargament, K. I & Ano, G. G & Wachholtz, A. B (2005), *The Religious Dimension of Coping* (Advances in Theory, Research, and Practice), In R. Paloutzian & C. Park (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p 479-495), NewYork: Guilford.
- Pargament, K. I & Falb, M. D & Ano, G. G & Wachholtz, A. B (2013), *The Religious Dimension of Coping* (Advances in Theory, Research, and Practice), In R. Paloutzian & C. Park (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p. 560-579), NewYork: Guilford.
- Park, Crystal L (2013), *Religion and Meaning. In R. Paloutzian & C. Park* (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p. 357-379), NewYork: Guilford.

- Park, Crystal L (2020), *Religiousness and meaning making following stressful life events*, The Science of Religion, Spirituality, and Existentialism, Academic Press, 273-285.
- Paulhus D. L & Williams. K. M (2002), The Dark Triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy, *Journal of Research in Personality*, 36(6), 556-563.
- Piedmont, R. L & Wilkins, T. A (2013), *The Role of Personality in Understanding Religious and Spiritual Constructs*, In R. Paloutzian & C. Park (Eds) Handbook of The psychology of religion and spirituality, (p. 293-311), NewYork: Guilford.
- Roth, E (2018), *Is the image of God related to empathy?* Empirical evidence coming from Bolivian Catholic university students, Universidad Católica Boliviana.
- Schaap-Jonker, H & Eurelings-Bontekoe, E & Verhagen, P. J & Zock, H (2002), Image of God and personality pathology: An exploratory study among psychiatric patients, *Mental Health, Religion & Culture*, 5(1), 55-71.
- Schofield, Malcolm B & Roberts, B. L. H & Harvey, C. A & Gemma Crouch, I. S. B & (2021), Tales from the Dark Side: The Dark Tetrad of Personality, Supernatural, and Scientific Belief, *Journal of Humanistic Psychology*, 62(2), 298-315.
- Schreiber Judith A (2011), Image of God: Effect on Coping and Psychospiritual Outcomes in Early Breast Cancer Survivors, *Oncology Nursing Forum*, 38 (3), 293-301.
- Sperry, L (2012), *spirituality in clinical practice: theory and practice of spiritually oriented psychotherapy*, Routledge, NewYork.
- Unterrainer, H. F & Ruttiger, J & Lewis, A. J & Anglim, Jeromy, F. A & Kapfhammer, H. P (2016), Vulnerable Dark Triad Personality Facets Are Associated with Religious Fundamentalist Tendencies, *Psychopathology*, 49(1), 47-52.

- Watson, P. J & Job Chen, Z & Morris, R. J & Ghorbani, N (2019), Religion within a Dark Triad Ideological Surround: Pluralistic Self as Dialogue across Private, Communal, and Public Space, *Research in the Social Scientific Study of Religion*, 29, 377–400.
- Zinnbauer, B. J & Pargament, K. I (2000), Working with the Sacred: Four Approaches to Religious and Spiritual Issues in Counseling, *Journal of Counseling & Development*, 78(2), 162-171.

